



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۱۳

دوکتور نور احمد خالدي

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۹۲م)

کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی

درس هفتم – پوهنتون هرات

قسمت سوم

حفيظ الله امين:

حفيظ الله امين از قوم خروتي پشتون در سال ۱۹۲۹م (۱۳۰۸ شمسی) در پغمان تولد شد. درس های مقدماتی را در مكاتب پغمان و كابل فرا گرفت. به منظور تحصيل بیشتر به ايالات متحده امریکا فرستاده شد و بعداً مدير ليسه دارالمعلمين كابل مقرر شد. در سال ۱۳۴۴ عضويت حزب دموكراتيك خلق افغانستان را حاصل كرد. پس از انشعاب ببرك كارمل و رفقايش، جانب نور محمد تره کی را گرفت. در دور سيزدهم شورای ملی از پغمان به عنوان نماينده تعيين شد و تبارز بیشتر سياسی پيدا نمود. مسول امور سازمان نظاميان "خلق" در اردو بود. هنگام وحدت مجدد گروههای خلق و پرچم عضويت بپروى سياسی را گرفت. پس از توقيف برخی رهبران حزب از طرف محمد داوود خان، با استفاده از فرصت ها و امكانات، رهنمود هایی را به افسران حزبی در اردو داد كه پیروزی کودتای ثور را در قبال داشت. با اعلام اعضای كابينه نور محمد تره کی، امين بسمت معاونت دوم شورای انقلابی، معاونت دوم صدارت و وزير خارجه را به عهده گرفت. در ثور سال ۱۳۵۸ مقام صدارت را نیز به دست آورد و ساحة قدرت حزبی، بیشتر در حیطه شخصی و فراكسيونی او محدود تر شد. به دنبال راندن برخی اعضای رهبری جناح پرچم و سرکوب آنها، وقتی نور محمد تره کی را زندانی كرد، چند تن از طرفداران او كه در حكومت و اردو نفوذ داشتند، برای حفظ جان به سفارت اتحاد شوروی پناه بردند. امين، برادر، برادرزاده و افراد مطمئن خویش را در پُست های مهم گماشت.



در واقع افزون به برانگیخته شدن دشمنی مردمان وسیع در برابر اعمال حزب و دولت، دامنه مخالفت های جدی درون حزبی هم به سوی دشمنی با امین سمت یافت.

مناسبات با اتحاد شوروی با بی اطمینانی و بی اعتمادی آمیخت. زیرا شوروی طرفدار مرگ تره کی نبود. وحدت و تفاهم پرچم و خلق را می خواست. اما امین به این نتیجه رسیده بود که در پشت طرح توطئه قتل او دست اتحاد شوروی و سفیر وقت (پوزانف) نهفته است. همچنان آگاه بود که چند تن از مخالفین او به سفارت شوروی پناه برده اند. این بود که به زودی پوزانف را روانه شوروی نمود. عملی که برای مقامات ماسکو و بخصوص شخص برژنف بسیار ناخوشایند و اهانت آمیز تلقی شد.

هنگامی که حفیظ الله امین قدرت را رسماً به چنگ آورد، اوضاع افغانستان از حالت نخستین ماه های بعد از کودتای ثور، تفاوت های بسیار کرده بود، زیرا مظالم و ناهنجاری ها و مخالفت های گوناگون دامن گسترده بود. هزاران تن به قتل رسیده بودند، هزاران تن دیگر در زندان ها بودند. عده یی که تعداد شان به شدت رو به افزایش بود، مهاجرت کرده بودند. پس مسلم بود که نه تنها از تحقق برنامه ها و فرمان های ابلاغ شده حتا با همان شیوه های قبلی خبری نبود؛ بلکه جنگ و خونریزی و ابقای قدرت در دستور کار بود. در چنان اوضاع که شیرازه های پیشین نیز فرو می پاشید، وضعیت معیشتی- اقتصادی، آموزشی و روانی جامعه شاهد یکی از دردآمیز ترین لحظات بود.

حفیظ الله امین یک رژیم به تمام معنی دیکتاتوری استالینی را ایجاد کرد، نه تنها تعداد زیادی از اعضای حزب خود را که وابسته به جناح پرچم بودند یا زندانی کرد یا اعدام نمود، بلکه هر مخالف بالقوه را از سر راه خود بر میداشت. اما قیامهای مردم بر ضد دولت دیکتاتوری در تمام کشور افزایش یافت از جمله در بادغیس و در لوگر به قتل تمام کارمندان دولت توسط شورشیان انجامید و در هرات با شورش سربازان فرقه و قیام مردم انجامید که به شدت سرکوب شدند.

حوادث ششم جدی سال ۱۳۵۸ هجری شمسی:

حفیظ الله امین در رابطه با اتحاد شوروی به رغم بی اطمینانی، سعی کرد که بر نیاز هایی که شوروی در افغانستان داشت اتکا کند، این بود که تا آخرین لحظه حیات نیز از درخواست کمک ابا نورزید. او در واقع بدون توجه به آن بخش از مصالح شوروی که حزب و دولت یک پارچه را برای تحقق اهداف خود در افغانستان می خواست، شوروی را می ستود و پشتیبانی اش را برای خویش مطالبه می نمود، گره اصلی جنجال امین و شوروی در این نکته نهفته بود. بر همین اساس حفیظ الله امین ناگزیر برای مقابله با آنچه او عناصر ضد انقلابی میخواند از اتحاد شوروی تقاضای کمک نظامی کرد و قوای کوماندوی اردوی سرخ در طول یک هفته تا ششم جدی سال ۱۳۵۸ هجری شمسی با ایجاد یک پل هوایی به میدان هوایی کابل فرود آمدند.

این قوا در شام شش جدی شهر کابل را اشغال کردند بخصوص جنگهای شدیدی در اطراف دستگاه رادیو و تلویزیون و هم چنان محل رهایش حفیظ الله امین در قصر تپه تاج بیگ در عقب قصر دار الامان به وقوع پیوست که در نتیجه آن امین کشته شد و ببرک کارمل توسط قوای شوروی بکابل آورده شد و به عنوان رییس شورا ی انقلابی و رییس دولت قدرت را بدست گرفت. به تعقیب آن قوای اتحاد شوروی در ابعاد بزرگی از بنادر مختلف وارد افغانستان گردید و در اطراف و اکناف شهرهای بزرگ کشور مستقر شدند.

حکومت ببرک کارمل:

ببرک کارمل در اوایل جدی سال ۱۳۵۸ (دسمبر ۱۹۷۹م) توسط قوای شوروی از ماسکو بکابل آورده شد و بعد از کشته شدن حفیظ الله امین و سقوط حکومت او به عنوان رییس شورای انقلابی و رییس دولت قدرت را بدست گرفت. ببرک کارمل فرزند محمد حسین به تاریخ ۶ جون ۱۹۲۹ مطابق ۱۳۰۸ هجری شمسی در قریه کمری واقع جنوب شرق کابل زاده شده است. اجداد کارمل از حاشیه سرینگر کشمیر هندوستان به افغانستان مهاجرت کرده اند.

عده ای از مورخین این روایت را نیز مطرح نموده اند که او مربوط به قوم کاکر که شاخه ای از اقوام پشتون است میباشد، در حالیکه هوا خواهانش او را تاجک معرفی میکنند، ولی اسمای مروج در این خانواده بجز نام پسرش وستوک که يك نام روسی است اکثراً اسماء پشتو اند که روایت دوم را قرین واقعیت میسازد. عده ای هم

عقیده دارند که جنرال حسین به خاطر تقرب به سردار داوود و کسب حمایت او که به عنوان يك پشتون متعصب شهرت داشت به نامگذاری پشتو به اعضاء خانواده اش مبادرت ورزیده است. متأسفانه مدارک و مستندات قاطع برای اثبات این روایات وجود ندارد ولی آنچه که کاملاً مسلم است و روایت اولی را بیشتر نزدیک به یقین میسازد اینست که در سیستم ثبت احوال نفوس کشور بجز از نام ببرک و پدرش حسین کس دیگری قید نشده است یعنی اینکه از پدر بالا تر ریشه ای در این سرزمین ندارد. پدرش محمد حسین در اردوی ظاهر شاه به درجه



جنرالی رسیده است. ببرک در لیسه نجات شهر کابل درس خوانده و در سال ۱۹۵۱ مطابق ۱۳۳۸ شامل پوهنخی حقوق پوهنتون کابل شد. او در زمان تحصیل تحت تاثیر اوجگیری مبارزات ضد استعماری جهانی به مفکوره های کمونیستی و فعالیتهای چپی روی آورد و در مظاهرات و فعالیتهای ضد دولتی اشتراک داشت. ببرک از سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۶ به خاطر فعالیتهای چپی اش تحت تعقیب دولت وقت قرار داشت اما بخاطر رابطه نزدیک پدرش با داوود خان از مجازات در امان ماند هر چند بعد ها در همین راستا زندانی گردید. کارمل در سال ۱۳۴۳ با نورمحمد تره کی و ۲۹ تن از یاران همفکرش در ایجاد حزب دیموکراتیک خلق شرکت فعال داشت که بعد از مصادره جریده خلق او برای اولین انشعاب اقدام نموده، با جدا کردن نیم اعضاء انشعاب را به آن حزب تحمیل و خود را به عنوان رهبر پرچم معرفی کرد. کارمل در سال ۱۹۶۵م از ناحیه شیر شاه مینه کابل کاندید و به حمایت حزب به حیث وکیل در پارلمان راه یافت. در جمهوری داوود او با دولت روابط نزدیک داشت.

در سال ۱۳۵۶ گروه های جدا شده خلق و پرچم مجدداً وحدت نمودند، تره کی بحیث منشی عمومی حزب و کارمل به حیث معاون او مورد توافق قرار گرفتند. بعد از پیروزی کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی (۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی) که به جمهوری محمد داوود خان پایان داد، شورای انقلابی کودتا چیان ببرک کارمل را به عنوان معاون شورای انقلابی و معاون رییس دولت اعلام کرد.

ببرک در ۲ دسمبر ۱۹۹۶ وفات نموده و در حیرتان دفن شد که جسدش بعداً توسط طالبان به دریا آمو انداخته شد.